روزنامه شرق

دوشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۲ • ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۳۴ • ۸ آوریل ۲۰۱۳

سال دهم • شماره ۱۷۰۲ • ۱۶صفحه • ۱۰۰۰ تومان

بدرقه باشکوه «عسل بدیعی» توسط مردم

امسال سال من است

گروه هنر: «حالا انرژی خفته‌ای دارم برای رسیدن به زندگی. امسال تمام توانم بر این است که شگفتی بیافرینم. می‌دانم امسال سال من است.» عسل بدیعی، بازیگر ۳۶ساله سینما و تلویزیون اولین روز فروردین امسال را با این جملات آغاز کرد و ۱۹ روز بعد همین جملات در میان جمعیت زیادی که برای تشییع پیکرش در تالار وحدت...

صفحه ۱۱

راننده‌ای که ۲۰میلیون تومان گمشده را به صاحبش رساند:

فقط به وظیفه‌ام عمل کردم

گروه حوادث: سعید حسینی، راننده خودرو جمع‌آوری زباله در ارومیه چندی قبل وقتی از مفقود شدن مقداری طلا و پول شهروندی مطلع شد در میان انبوهی از زباله به جست‌وجو پرداخت و اموال مفقود شده را پیدا کرد و به دست صاحبش رساند. این خبر چند روز قبل در رسانه‌ها بازتاب یافت. سعید اکنون در گفت‌وگو با «شرق»...

صفحه ۱۲

رییس کمیسیون بودجه مجلس:

رشد اقتصاد ایران صفر یا زیر صفر است

گروه اقتصاد، بهناز جلالی‌پور: با وجود تاکید قانون برنامه توسعه که رشد اقتصادی را هشت‌درصد هدفگذاری کرده بود، حالا مصباحی مقدم، رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اعلام کرده رشد اقتصادی کشور منفی است. نمودار رشد اقتصادی ایران در سال‌های اخیر هم روند نزولی داشته است. وی همچنین افزوده است: «از نکات بودجه پیشنهادی امسال، کاهش اتکا به نفت است که در اثر تحریم صورت گرفته است، به طوری که در بودجه سال گذشته فروش نفت روزانه دومیلیون و ۷۰۰ هزار بشکه لحاظ شده بود، ولی امسال یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه لحاظ شده است.» از سوی دیگر مهدی غضنفری وزیر صنعت، نیز چند روز پیش، سال ۱۳۹۱ را سالی سخت توصیف و خبر داده بود: «در سال گذشته باید ۱۰۰میلیارددلار ارز نفتی وارد اقتصاد می‌شد که تنها ۵۰میلیارددلار آن محقق شد.» فرشاد مومنی، کارشناس اقتصادی در باره وضعیت اقتصادی ایران به «شرق» می‌گوید: «اگر روند تصمیم‌گیری‌های دولت مهار شود و پس از این براساس علم، قانون و برنامه سیاست‌ها اتخاذ و اجرا شود، ظرف ۱۰ سال می‌توان خسارات را جبران کرد.» فرشاد مومنی، در تحلیل دلایل رسیدن به رشد اقتصادی منفی می‌گوید: «از نخستین روزهای برعهده گرفتن مسوولیت قوه مجریه توسط دولت نهم، به تدریج و به صورت فزاینده همه علاقه‌مندان به سرنوشت توسعه ملی متوجه شدند که گرایش به علم، قانون و برنامه نزد این مجموعه اجرایی ناچیز و ناکافی است و بخش بزرگی از اساتید و دانشگاهیان و کارشناسان تلاش کردند که آثار سوء قانون‌گریزی را به شکل ملموس و با شواهد کافی و علمی گوشزد کنند. اما فضای به شدت سیاست‌زده در طیف مدافعان دولت موجب شد که این تلاش، دستاورد کافی نداشته باشد.» او با اشاره به عملکرد هفت ساله دولت که به تدریج پایه‌های اقتصادی کشور را متزلزل کرده، می‌گوید: «مساله این است که آثار و عوارض رویکردهای حاکم از سال ۸۴ تاکنون از طریق افزایش اتکا به درآمدهای رشد یافته، از سوی دولت انکار شد.

ادامه در صفحه ۴

نکته

مومنی:
طبق قانون برنامه چهارم توسعه دولت تنها مجاز به هزینه ۱۶/۵میلیارددلار از درآمدهای نفتی بوده که ۶۰ میلیارد دلار هزینه کرد

«محسن هاشمی» در گفت‌وگو با «شرق»:

افراط‌گرایی مثل سرطان است

صفحه ۳

عکس: مهدی حسنی، شرق

گره دیپلمات عربستانی کورتر شد

بروجردی: دیپلمات متهم ممنوع‌الخروج است

صفحه ۲

ادبیات

«سروش حبیبی» در گفت‌وگو با «شرق»:

کلاسیک‌ها کهنه نمی‌شوند

صفحه ۷

تیتر

وزیر علوم:

نامه احمدی‌نژاد را ۵۲ روز قبل از انتشار دریافت کردم

صفحه ۶

برای تکمیل ورزشگاه «دورود»

مایلی‌کهن دستمزدش را پس داد

صفحه ۱۳

سرمقاله

اقتصاد در آینه آمار

سعید لیلاز . کارشناس اقتصادی

نرخ رشد اقتصادی سال ۹۱ صفر یا منفی اعلام شد. این آمار اگرچه تقریبی است اما به نظر می‌رسد با واقعیت‌های اقتصادی کشور همخوانی ندارد. برای پی بردن به این موضوع کافی است به چند عدد و رقم در بخش‌های مختلف اقتصادی نظری بیندازیم.

بخش کشاورزی در سال ۹۱ با وجود بحران ساختاری سرمایه‌گذاری از رشد متعادلی در حدود سه تا چهاردرصد برخوردار شد و این رشد را مدیون سال بارانی نرمالی است که پشت سر گذاشت. پس به نظر می‌رسد در این بخش با تمامی کاستی‌ها، اندک رشدی حاصل شد. در بخش نفت اما نه تنها رشدی حاصل نشد بلکه عمدتا به دلیل کاهش تولید و اعمال تحریم‌های یکجانبه علیه ایران صادرات نفت خام در سال گذشته به نصف رسید و همین موضوع تاثیر منفی خود را بر سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی گذاشت. از آنجایی که سهم بخش نفت در تولید ناخالص داخلی بین ۱۳ تا ۱۵درصد است، هر نوع کاهشی در این بخش به شدت بر رشد اقتصادی تاثیرگذار خواهد بود. از سوی دیگر صادرات محصولات پتروشیمی نیز در این سال با کاهش همراه شد که توجه به این بخش هم حایز اهمیت است. صنعت خودرو یکی از زیربخش‌های مهم صنایع و معادن کشور است که سهمی حدود سه‌درصد در تولید ناخالص داخلی دارد. در سال ۹۱ این صنعت با افت شدیدی مواجه شد؛ به طوری که به گفته مسوولان سهم صنعت تولید خودرو به نصف کاهش یافت و این میزان کاهش به تنهایی ۱/۵درصد تولید ناخالص داخلی را کاهش می‌دهد. از زیر گروه‌های دیگر بخش صنعت کشور مسکن و ساختمان است که در سال گذشته حدود پنج تا شش‌درصد رشد داشته است. سهم این گروه در تولید ناخالص داخلی حدود پنج‌درصد برآورد می‌شود؛ یعنی اگر بخش ساختمان هم ۲۰درصد رشد داشته باشد، تولید ناخالص داخلی حدود یک‌درصد افزایش می‌یابد. در کل تمامی بخش‌های صنعتی به طور میانگین دو تا سه‌درصد رشد منفی را تجربه کردند. سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی نسبت به سایر بخش‌ها بالاست و برآوردها نشان می‌دهد ۴۸ تا ۵۰درصد جی‌دی‌پی مربوط به این گروه است. براساس آمار موجود در سال گذشته واردات کشور حدود ۱۰درصد کاهش داشته است و به همین نسبت گردش داخلی کالاهای وارداتی هم با کاهش مواجه شد. بنابراین رشد خدمات حدود یک‌درصد منفی برآورد می‌شود. میزان مالیات پرداختی هم در سال گذشته کاهش داشت و این کاهش در حالی رخ داد که مالیات بر ارزش افزوده از چهاردرصد در سال ۹۰، به پنج‌درصد در سال ۹۱ افزایش یافت. با این حال رشد مالیات‌های دریافتی از تورم ۳۱/۵درصدی سال گذشته کمتر بوده است. افزایش بیکاری و کمبود مواد اولیه که از نیمه دوم سال گذشته شدت گرفت، از جمله نشانه‌های کاهش میزان درآمد دولت از محل دریافت مالیات است. مجموع این تحولات نشان می‌دهد که رشد اقتصادی کشور برخلاف اعلام برخی افراد نه تنها صفر و نزدیک به صفر نیست، بلکه حدود سه تا چهاردرصد نیز منفی است. علاوه بر این، نکته قابل توجه دیگر این است که از سال ۸۴ روند سرمایه‌گذاری‌ها در کشور در تنگنا قرار گرفت. از سوی دیگر به دلیل تصدی‌گری و دخالت دولت در اقتصاد بهره‌وری کاهش یافت. این دو موضوع می‌تواند اقتصاد هر کشوری را با رکود مواجه کند. در واقع اگر این مسایل به دلیل نبود آمار به درستی ریشه‌یابی نشود، دولت بعدی قادر به برنامه‌ریزی اصولی برای حل معضلات اقتصادی نخواهد بود.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت . جهان

دو انتصاب برای رهبری نیمی از جهان

بهزاد شاهنده
استاد پایه مطالعات شرق آسیا- دانشگاه تهران

در روزهای پایانی سال ۱۳۹۱ دو انتصاب در راستای رهبری نیمی از مردم جهان در بیجینگ و واتیکان انجام گرفت که سرنوشت دو و نیم میلیارد نفر از این کره خاکی را رقم زد. همان‌قدر که بیجینگ و واتیکان از یکدیگر فاصله جغرافیایی دارند، از لحاظ دیگر جوانب هم متفاوت هستند. دو شهر بیجینگ و واتیکان هر دو پایتخت دو کشور چین و واتیکان هستند و جمعیت بزرگی را رهبری می‌کنند. با این وجود از لحاظ سرزمینی - دیپلماتیک، فلسفی، سیاسی، اقتصادی و حتی ذایقه در دو قطب کاملا مخالف قرار دارند. معذالک در روزهای پایانی سال گذشته روند مشابهی را طی کردند. در دو عمارت بزرگ دو پایتخت (کاخ بزرگ خلق چین و کلیسای سیستین در واتیکان) آینده قریب به یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون چینی و یک میلیارد و ۲۰۰میلیون کاتولیک از طریق انتصاب یک اقلیت غیرمنتخب (شورای ملی استان‌ها در چین و کالج کاردینال‌ها در واتیکان) رقم خورد. نتیجه این گردهمایی‌های کوچک انتصاب دو نفر از قدرتمندترین رهبران جهان بود: رییس‌جمهور جدید جمهوری خلق چین «شی جین پینگ» و پاپ اعظم پاپ فرانسیس اول (پاپی که این بار فقط به برگزیدن یک لقب برای خود برگرفته از لقب پاپ معروف به پاپ فقیران در قرن پانزدهم اکتفا کرد...) مشابهت این دو انتصاب: غیرشفاف بودن - غیردموکراتیک بودن، عدم رعایت برابری جنسی را در بر داشت. در چین رییس‌جمهور از قبل به وسیله یک گروه کوچک مرکب از هفت نفر عضو کمیته اصلی دفتر سیاسی حزب کمونیست در سه‌ماه بیش انتخاب شده و از آن زمان به ریاست حزب منصوب گردیده بود و همزمان فرماندهی ارتش (رییس کمیسیون عالی نظامی حزب کمونیست چین) را برعهده گرفته بود که انتصاب ماه مارس به‌وسیله کنگره ملی خلق چین را کاملا تشریفاتی ساخته بود و جالب‌تر اینکه آقای «شی جین پینک» از مدت‌ها بیش منتظر این پست بوده و عملا می‌دانست که رییس‌جمهور آتی چین خواهد بود و بر این پست به مدت ۱۰ سال تکیه خواهد زد (جمهوری خلق چین از ۱۰ سال قبل روند انتقال قدرت آرام را به جریان انداخته بود و «شی» از مدتی قبل خود را برای این مسند آماده کرده بود). انتخاب پاپ کمی رقابتی‌تر بود با وجودی که احتمال زیادی می‌رفت که کاردینال آرژانتینی که در دور قبل به پاپ «بندیکت شانزدهم» باخته بود پاپ جدید شود، در شورای کاردینال‌ها که مرکب از ۱۸ کاردینال اعظم است انتصاب پاپ فرانسیس در میان دیگر کاردینال‌ها محتمل‌تر بود زیرا که اجماع بر انتخاب پاپی بود از آمریکای لاتین که اکثریت کاتولیک‌های جهان را در خود جای داده است. (وی از سال ۱۹۹۸ اسقف بوینس‌آیرس، پایتخت آرژانتین بود و در سال ۲۰۰۱ به مقام کاردینالی دست پیدا کرد). دیگر شباهتی که در این دور انتصاب وجود دارد و طلیعه آینده متفاوت را می‌دهد ویژگی دو شخصیت جدید است که برخلاف پیشینیان خود مردمی‌تر بوده و قصد دارند از تشریفات گذشته فاصله گیرند. پاپ فرانسیس اول ۷۸ ساله تعهد به خدمت به فقرا کرده و رسوم فاصله با مردم را کنار نهاده و در اولین دیدار با مردم در صحن واتیکان با کمترین تشریفات حضور پیدا کرده است. الگوی او «قدیس اسیسی»، فرانسیس متعلق به قرون وسطا است که شعار «کلیسای فقرا برای مردم فقیر» را سرلوحه خدمات خود قرار داده بود. پاپ فرانسیس اول در چهار اقدام غیرمتعارف پیروان خود را غافلگیر کرد: در اقدام نخست قبل از انتصاب هزینه هتل خود را شخصا پرداخت و چمدان‌های خود را شخصا حمل کرد. در صحن بزرگ واتیکان برای ملاقات با مردم از اتومبیل رو باز استفاده کرد. در اولین خطابه خود از زبان ایتالیایی بهره گرفت برخلاف زبان فرانسوی که زبان تشریفاتی واتیکان است و بالاخره اینکه به دیدار پاپ سابق پاپ بندیکت شانزدهم شتافت که در ۷۰۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است و بالاخره اینکه تعامل با اسلام را در صدر برنامه‌های خود قرار داده و درصدد است با تاکید بر احترام متقابل با دین اسلام، نگرش جدیدی در مراوده با آن را در پیش گیرد (پاپ فرانسیس اول در اقدامی بی‌سابقه پای یک فرد مسلمان را طی یک آیین مسیحی بوسید. پاپ که جهت انجام آیینی منتسب به حضرت مسیح (ع) و یادآور شام آخر - و ملاقات با حواریونش - در ندامتگاهی در رم حضور پیدا کرده بود طبق رسوم پای ۱۲زندانی از جمله دو مسلمان را بوسید. این آیین برخلاف گذشته در مقر کلیسای کاتولیک انجام نگرفت...).

در مقابل «شی» ۵۹ ساله نسبت به پیشکسوتان خود از کلمات روزمره و عادی در خطاب به مردم بهره گرفته و عملا سخنان خود را در پشت الفاظ پیچیده حزبی پنهان نکرده و قول داده که در اولین اقدام به معضل بزرگ مردم چین که همانا فاصله طبقاتی است، بپردازد، با فساد گسترده دولتی مبارزه جدی داشته باشد، به اصلاحات بازار (وی اصلاحات اقتصادی را در اولین منطقه آزاد در چین برعهده داشت) با برخورداری آحاد مردم از نعمات آن گسترش بخشد و احیای تمام‌عیار شعار ملی تحت عنوان نئولوگیزم «رویای چین» را جانی تازه بخشد.

ادامه در صفحه ۱۵

یادداشت . هنر

افزایش بلیت، کاهش مخاطب

سیدغلامرضا موسوی
رییس شورایعالی تهیه‌کنندگان سینما

آیا تصویب افزایش بهای بلیت سینما درآخرین روزهای سال گذشته، ریزش مخاطب را در پی دارد؟ آیا این هزینه باعث جبران افزایش بهای تولید فیلم و جلوگیری از غیراقتصادی شدن سالن‌های سینما خواهدشد؟

سینمای ایران درسه سال‌وچندماه گذشته بامساله‌ای به نام بی‌برنامگی مسوولان مربوطه روبه‌رو بوده است. این نداشتن برنامه توسط مسوولان، باعث شده تا عملا تولید فیلم‌های سینمایی به سمت تولید دولتی سمت‌وسو پیدا کند. از تبعات تولید فیلم با پول دولت یا شهرداری یا حوزه هنری و امثال این مراکز، منجر به پایان تولید آن می‌شود. تهیه‌کننده و شریک دولتی‌اش تعهدی برای جذب تماشاگر به سینما قایل نیستند و معمولا تماشاگران هم از این فیلم‌ها، به‌رغم تبلیغات زیاد چندان استقبال نمی‌کنند.

در نتیجه ریزش مخاطب را خواهیم داشت... ریزش مخاطب باعث می‌شود سالن سینما خرج‌ودخل نکند. ظاهرا یکی ازراه‌های چاره، افزایش بهای بلیت است.

اما چون وضعیت اقتصادی تماشاگران بالفعل سینما مطلوب نیست، ترجیح می‌دهند تا درآمدشان را صرف هزینه‌های واجب کنند. متاسفانه کالای فرهنگی و از جمله خرید بلیت سینما در فرهنگ عامه هزینه ضروری تلقی نمی‌شود بنابراین با ریزش مخاطب روبه‌روخواهیم بود. ناگفته نماند که رفتارهای غیرمنطقی و فراقانونی حوزه هنری در سال ۹۱باعث شد تا توجه عمومی اهالی سینما از رفتارهای مدیریت دولتی سینما به این بی‌سیاستی حوزه معطوف شود و مدیران دولتی از هدف اصلی به هدفی فرعی تبدیل و نظارت بر مدیریت دولتی از طریق افکار عمومی کم‌رنگ‌تر از سال‌های گذشته شود.

انجمن سینماداران که عملا از مدیریت دولتی و وعده‌هایش دشت نکرده است، به ناچار در شورای صنفی نمایش، تقاضای افزایش بهای بلیت را مطرح می‌کندتا از بار روانی غیراقتصادی شدن سالن‌ها کم کند و در پاسخ به اعضای تهیه‌کنندگان عضو شورای صنفی نمایش نیز با توجه به افزایش بهای تولید، راه چاره افزایش هزینه را افزایش بهای بلیت دانسته‌اند و این هر دو نه بر مبنای تحلیلی کارشناسانه که بیشتر رفتاری از سر رفع مسوولیت است.

اما در این میان مدیریت دولتی سینما که باید هر سه ضلع مثلث را یعنی تولیدکننده، سینمادار و تماشاگر ملاحظه کند، به دلیل بی‌برنامگی و عدم تحلیل کارشناسانه با پذیرش افزایش بهای بلیت بدون توجه به عواقب آن، مشکل را بر سر اهالی سینما و تماشاگران آوار کرده است. مسوولان آینده دولتی به شرط تعامل صنفی باید آدم‌های معجزه‌گری باشند که سینمای ایران بتواند از زیربار این مصائب کمر راست کند.

حرف اول

رشد اقتصادی در محاق

بایزید مردوخی . اقتصاددان

رشد اقتصادی در هر کشوری، نیازمند بسترهایی مشخص است و در فقدان آنها، این مولفه اقتصادی به‌شدت کاهش یافته و در پاره‌ای موارد، صفر یا منفی می‌شود. در عین حال نگارنده مدلی نیز برای پیش‌بینی ندارد و توانایی مشخص کردن رشد یا به طور کلی مثبت یا منفی بودن آن، قبل از بررسی زمینه‌ها و تحرک عملی بخش‌های اقتصاد، امری است ناممکن. رشد اقتصادی در سال ۹۲ نیز از این قاعده مستثنا نیست و بستگی به شاخص‌ها و جهت‌گیری‌های کلان دارد. اما شواهد و قراین موجود حاکی از آن است که عدم تغییر در فضای کسب و کار مانند سال گذشته و سال‌های اخیر، نمایان است. هرچند این انتظار وجود ندارد که در فروردین ماه ناگهان همه چیز تغییر کند اما در مراکز تصمیم‌گیری و نظام بروکراتیک کشور هم تحرک و تغییر خاصی مشاهده نمی‌شود و گمان نمی‌کنم تا اواسط تابستان اتفاقی رخ دهد که تولید را در واحد موجود کشاورزی، صنعتی، معدنی و خدماتی ناگهان افزایش دهد. ناگفته پیداست تولید، فرآیندی زمان‌بر است و این‌گونه نیست که ناگهان نتیجه دهد. در حال حاضر به دلیل نبود نگاه جامع اقتصادی و کم‌توجهی به فرآیندهای توسعه و زیرساخت‌ها و برنامه‌های کلان قابل‌اجرا، بخش‌های اقتصادی کشور زمین‌گیر هستند و احتمال اینکه در کوتاه مدت، این بخش‌ها اصطلاحا «براه بیفتند» ضعیف شده است. مهم‌ترین عامل پس از بهبود و رونق بخشیدن به فضای کسب و کار، مولفه سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه در بخش تولید است. با فرض اینکه شرایط مناسب برای تحقق این مولفه‌ها در نیمه اول سال‌جاری فراهم شود، در نیمه دوم سال ۹۲ اثرات محدودی از آن دیده خواهد شد اما نتیجه میان‌مدت آن در سال‌های ۹۳ و ۹۴، رویت خواهد شد. با این حال تنها نفس حرکت بر مدار صحیح و توجه به این مولفه‌ها می‌تواند نوعی امیدواری ایجاد کند که با تحت تاثیر قرار دادن بخش روانی فضای اقتصادی، اثراتی نیز در شاخص‌ها بر جای خواهد گذاشت و آنها را بهبود خواهد بخشید. نگارنده، سیاستمدار نیست و اقتصاد خوانده اما نگاه واقع‌بینانه حکم می‌کند، به لحاظ در پیش بودن انتخابات ریاست‌جمهوری، احتمال تحقق مولفه‌هایی که مورد اشاره قرار گرفت در نیمه اول سال‌جاری، ضعیف است. معمولا با جدی شدن مباحث انتخاباتی، فعالیت‌های دیگر متوقف می‌شود و هم و غم اکثر افراد و نیروهای جناح‌ها به این رخداد اختصاص می‌یابد.

ادامه در صفحه ۴

الو شرق
۸۸۹۸۶۸۳۸

پیام کوتاه
۳۰۰۰۴۶۹۹

sharghline@sharghdaily.ir

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۸۹۸۶۸۲۲
۸۸۹۸۶۸۲۱
۸۸۹۸۶۸۲۰

روزنامه شرق
اشتراک روزنامه شرق را فقط از شرق بخواهید
۸۸۸۱۴۲۳۰-۳۲